



همان آغاز پیدایش موسیقی « چند صدائی » ( پولیفونیک ) ، نقشی تقریباً درجه اول داشته است .

تا حدود قرن چهاردهم پیوندهای بسیاری انگلستان و فرانسه را بهم نزدیک می ساخت ؛ اشراف انگلیسی که در فرانسه سکنی می گزیدند برای نزدیکی موسیقی دانان انگلیسی با موسیقی دانان فرانسوی موجبات بسیار فراهم می آوردند و بدینگونه تأثیرات هنری متقابلی در آن دوره بین دو کشور پدید می آمد . « دانستبل » ( Dunstable ) موسیقی دان بزرگ انگلیسی که در آن دوره می زیست ، با نوپردازیهای بدیع خود در زمینه « آرمونی » در آثار برخی از آهنگسازان مکتب فرانسوی و بلژیکی نشانه‌هایی بارز بجای گذاشت . بسیاری از آهنگسازان انگلیسی نیز تحت تأثیر مکتب مشهور « فرانکو - فلامان » ( فرانسوی و بلژیکی ) که در آن دوره باوج قدرت و نفوذ خود رسیده بود ، رفتند و « کنترپوان » های ظریف و پیچیده آنها را همچون سرمشقی بکار بستند .

از جمله مختصات بارز موسیقی انگلیسی لحن با اصطلاح محلی و درعین حال محبت آمیز و احساساتی آنرا ذکر باید کرد که در همه حال با شعر انگلیسی و خصوصیات آن بستگی و نزدیکی بسیار دارد و مختصاتی که برشمردیم هیچگاه در موسیقی انگلیسی از بین نرفته است . لطف و طراوت ترانه های عامیانه انگلیسی نیز پیوسته در آثار موسیقی « علمی » مکتب انگلستان محسوس بوده است . اوزان و ضربهای متنوع آن نیز غالباً از هنر عامیانه آن سرزمین ریشه می گیرد .

حالات متضادی که در موسیقی انگلستان می توان یافت نیز از جمله مشخصات آنست . در این باره گفته اند « ... چنین تضادی بارواشناسی ملتی که درعین حال خونسرد و تند است ، و درعین خیال پرستی از فعالیت باز نمی ماند ، کاملاً تطبیق می نماید ... »

نیمه دوم قرن پانزدهم که دوره سلطنت ملکه الیزابت بود ، از نظر موسیقی انگلستان دورانی پر حاصل و غنی است . از جمله آهنگسازان مشهور

انگلیسی در این دوره « جان بول » و « ویلیام برد » را بخصوص ذکر باید کرد که آثاری بس پرارج از خود بیادگار گذارده‌اند .

هنگامی که مسیحیون انگلیسی از دین کاتولیک روی برتافتند و به - دین نوظهور « پرتستان » روی آوردند - و بدینگونه تنظیم موسیقی مذهبی نوئی لازم آمد - آهنگسازان انگلیسی ، همچون آهنگسازان پرتستان آلمانی ، آهنگهایی پرداختند که از ترانه های عامیانه مایه می گرفت واز این رهگذر بگوش و ذهن عامه مردم مانوس بود .

در دوره شکسپیر ، یعنی در آغاز قرن هفدهم ، آهنگسازان بسیار پرارجی در انگلستان می زیستند که اهمیت آنها از معاصران فرانسوی و ایتالیائی خود کمتر نمی نماید . ولی در این دوره در اثر نفوذ موسیقی فرانسوی و ایتالیائی ، اهمیت مکتب و سنت های موسیقی ملی انگلستان رو بانحطاط رفت تا اینکه در حدود نیم قرن پس از آن « هنری پرسل » یکی از بزرگترین نوابع موسیقی بار دیگر اهمیت موسیقی انگلستان را بدو باز پس داد . « پرسل » با همه تأثیرات فرانسوی که در آثار او می توان یافت از بسیاری جهات ( و منجمله همبستگی با نحوه بیان کلام انگلیسی که حتی در سبک نویسندگی ارکستر آثار او مؤثر افتاده است ) آهنگسازی کاملاً انگلیسی بشمار می - آید . مایه آثار او حدفاصلی بین مایه های کهنسال و « تونالیتة » جدید و گاه اختلاطی از آن دوست .

پس از « پرسل » پیشتاره بحث مکتب موسیقی انگلستان یکبار دیگر رو بافول رفت . این نکته نیز گفتنی است که تاریخ موسیقی انگلستان چندین بار دوره های انحطاط کم و بیش کوتاهی دربر داشته است . اما در آغاز قرن بیستم آهنگسازان انگلیسی ، تاحدی تحت تأثیر دو بوسی و راول ، به - بازجویی در سنت های اصیل موسیقی کهنسال خود پرداختند و بر آن شدند که از آن میان آنچه را که اصیل تر و مهمتر می نمودند همچون پایه موسیقی نوئی برگزینند . در دوره ما مکتب موسیقی انگلستان از مکاتب جالب و غنی موسیقی مغرب زمین است .

در پایان این فصل اشاره بدین نکته هم ضرورت دارد که انگلستان

غالباً پناهگاه موسیقی دانان کم و بیش ناکامی بوده است که در آن سرزمین شهرت و افتخار یافته اند. از جمله آنان «هندل» آلمانی را بخصوص نام باید برد. همچنانکه «گلوک» در حدود نیم قرن پیش از او بفرانسه رفت و سبک و هنری رواج داد که با سنت های ملی فرانسه ناسازگار بود، هندل نیز در انگلستان آثاری بوجود آورد و رواج داد که با همه اهمیت و جلای خود با هنر ملی انگلستان چندان ارتباطی نداشت و مسیر تحول طبیعی - و ملی - موسیقی انگلستان را منحرف ساخت. اما این حقیقتی است که شاید همواره مورد تصدیق بسیاری از «دوستانان موسیقی» - و حتی گاه «هنرشناسان انگلیسی» نیز - نباشد ...



#### سرود ملی «نیژریا»

حکومت کشور «نیژریا» در آفریقای مرکزی مسابقه ای برای نوشتن سرود ملی آن کشور ترتیب داده بود که مبلغی معادل دو بیست هزار ریال جایزه آن بود. از میان ۷۰۰ سرودی که برای این مسابقه از کشورهای مختلف فرستاده شده بود ۴۷۸ قطعه از انگلستان، ۱۹۵ قطعه از آهنگسازان بومی «نیژریا»، ۴ قطعه از فرانسه، ۴ قطعه از هلند و ۲ قطعه از آذربایجان ارسال گردیده است.